



سیر نزولی سن بی‌دندانی

رئیس انجمن دندانپزشکان عمومی ایران با بیان این‌که سن بی‌دندانی در ایران کاهش یافته است، گفت: ۳۰ تا ۴۰ ساله‌ها در کشور بیش از ۱۲ دندان خراب دارند.

به گزارش مهر، باقر شه‌نیز زاده افزود: حل مشکلات دهان و دندان ایرانی‌ها نیازمند توجه به مقوله پیشگیری و بهداشت است. ما باید در طراحی پروژه‌ها نگاه علمی داشته باشیم. وی ادامه داد:مقابله با پوسیدگی دندان‌ها باید از کودکی و دندان‌های شیری آغاز شود و برنامه‌هایی مثل فلورایدتراپی، فیشور سیلانت و... اجرا شود.

رئیس انجمن دندانپزشکان عمومی ایران با اشاره به شاخص سلامت دندان (DMF)، گفت: گروه‌های هدف ما باید انتخاب شوند و این‌گونه نباشد که برخی گروه‌های سنی تحت پوشش نباشند. وی ادامه داد: سن بی‌دندانی در ایران پایین است، به این علت وقتی از هر ۱۵ –۱۰ نفر دانش‌آموز ۹ نفر آنها مشکل دندان دارند، طبیعتاً در بزرگسالی بی‌دندانی سریع‌تر عارض می‌شود، چون به علت مشکلات تأمین هزینه درمان و بعضاً کم توجهی امکان درمان به موقع فراهم نیست.

۱۵۰ گونه جانوری ایران در معرض خطر انقراض

مسئول آزمایشگاه بانک سلول‌های انسانی و جانوری مرکز ملی ذخایر ژنتیکی و زیستی ایران، تعداد گونه جانوری کشور را ۱۲۰۰ گونه اعلام کرد و گفت: از این تعداد ۱۵۰ گونه جانوری در معرض خطر انقراض قرار دارند.
عبدالرضا دانش‌شور ام‌لی افزود: اسب کاسپین، شتر دوکوهانه، بز مرخز، گاو سیستانی و گاو گلپایگانی و گوسفند مغانی از جمله گونه‌های جانوری کشور و در معرض خطر انقراض هستند.

وی عنوان کرد: براساس آماری که سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرده بین ۱۵ تا ۲۰ درصد گونه‌های جانوری در معرض خطر انقراض و بین یک تا ۵ درصد گونه‌های جانوری به شدت در معرض انقراض قرار دارند. دانشور بر لزوم حفاظت از گونه‌های جانوری کشور تأکید کرد و گفت:



حفاظت در مناطق طبیعی از جانوران، نگهداری آنها در ایستگاه‌های تحقیقاتی و در نهایت نگهداری سلول‌های سوماتیک، اسپرم، تخمک و دی.ان.ای آنها از مهم‌ترین اقدامات برای حفاظت از گونه‌های جانوری کشور است. عضو هیات علمی مرکز ملی ذخایر ژنتیکی و زیستی ایران گفت: ۱۲۰۰ گونه جانوری شامل پستانداران، پرندگان، خزندگان، ماهیان و دوزیستان در کشور وجود دارند که حدود ۲۰۰ گونه آنها، پستاندار هستند. وی، عمده‌ترین بانک ژن جانوری را مرکز ملی ذخایر ژنتیکی و زیستی ایران و مرکز اصلاح نژاد دام کشور اعلام کرد و گفت: حدود یک هزار نمونه اسپرم و سلول گونه‌های جانوری در این دومرکز نگهداری می‌شود.

تعیین تکلیف برخی خدمات آموزشی – تربیتی

دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش با بیان این‌که یکی از خرده‌نظام‌های سند تحول بنیادین، نظام جامع مشاوره و هدایت تحصیلی است، افزود: نظام جامع مشاوره و هدایت تحصیلی اکنون مراحل نهایی خود را طی می‌کند و در اولین جلسات شورای عالی در سال جدید مورد بررسی قرار خواهد گرفت.
به گزارش ایسنا، مهدی نوید ادهم به تعیین تکلیف قانونی برای ارائه برخی خدمات آموزشی-تربیتی در مناطق محروم مرزی، مناطق آزاد و مدارس خارج از کشور اشاره کرد و افزود: این موارد نیاز سال ۹۸ در دستور کار قرار خواهد گرفت و اکنون متن این قوانین جهت بررسی آماده شده است.



رنگ‌غالب این روزهای پلدختر خاکی است حتی درخت‌ها هم خم شده و خاکی هستند

عکس:
چاوش هماوندی
جام جم

سیل مدرسه برانداز

مهراله رخشانی‌مهر، رئیس سازمان نوسازی مدارس کشور گفت: در سیل اخیر مجموعاً ۱۴۸۰ مدرسه در استان‌های سیل‌زده آسیب‌دیده که از این تعداد ۱۳۰۰ مدرسه نیاز به تعمیر و بازسازی دارند و ۱۰۵ مدرسه هم باید تخریب شوند. وی افزود: بیش از ۳۰۰ مدرسه در مناطق سیل‌زده استان گلستان تا حدودی زیر آب رفتند یا بر اثر شدت باران آسیب دیدند، اما آسیب‌هایی که به مدارس وارد شده متفاوت است، / تسنیم



گزارش خبرنگار اعزامی جام‌جم از مناطق سیل‌زده پلدختر

گلشهر

لر‌ها يك رسم دارند، در مراسم‌های عزاداری، گل می‌مانند روی لباس و سرشان و عزاداری می‌کنند. حالا بعد از سیلی که شهر را شست و برد، طبیعت هم در این شهر عزا دار است. خانه‌ها، درخت‌ها و جاده‌ها همه گل بر سر گذاشته‌اند و شهر را پر از گل کرده‌اند. ده دوازده روز از طغیان کشکان می‌گذرد و عزای طبیعت پایان نیافته است. در روزهایی که خوزستان در خطر وقوع سیل است و هر روز سیل خبر می‌شود، لرستان در گل غرق است. محلی‌ها به حجم عظیم گل شهر، سونامی گل می‌گویند؛ سونامی که تا تخلیه نشود، آینده شهر را معلوم نمی‌کند.

کوه‌ها سبزند، رودخانه‌ها خروشان و روشن‌اند. گله را می‌چرانند و کشاورزان هم در زمین بذر می‌پاشند. اینجا خرم‌آباد است. کمی آن طرف‌تر اما همه چیز فرق می‌کند، انگار دنیای دیگری است. جاده پلدختر، بیسته است.



لیل‌اشوقی

جامعه

در قسمت شرقی پلدختر همه خانه‌ها سرچایشان است. پارک‌ها پر از بچه است. توی بلوار اما همه چیز رنگ و بوی دیگری دارد.

گل خشک شده، خیابان را پوشانده است. اولین تصویر صبحگاهی ما از سیل، ماشین پژوی سفیدرنگی است که سیل درهای جلوی آن را شکسته و برده است. خیابان‌های منتهی به پل انقلاب، جایی که بخش شرقی و غربی را به هم وصل می‌کند، شلوغ است، یکی از مأمورین نیروی انتظامی، بلندگو به دست

گرفته و ماشین‌ها را راهنمایی می‌کند. تنها ماشین‌های امدادی اجازه ورود به خیابان را دارند. خیابانی که پر از امدادگر است و اسمش هم امدادگران است. امداد در این خیابان، با موکب‌های پذیرایی شروع می‌شود. یک موکب چای، یک موکب آش رشته و آن یکی هم لقمه نان و پنیر به دست امدادگران و مردم سیل‌زده می‌رساند. ماشین از قوس پل که عبور می‌کند، «کشکان» خروشان گل‌آلود خودش را نشان می‌دهد. رود هنوز انگار که بغضی در دل دارد، می‌خروشد و می‌رود. حاشیه رودخانه، زمین تا کیلومترها ترک برداشته و تلی خاک از خانه‌ها باقی مانده است. اتفاق مهم اما آن طرف قوس است. از پل که عبور می‌کنیم، صحنه‌آرایی طور دیگری می‌شود. صحنه جنگی به شکل دیگری خودش را نشان می‌دهد. تا چشم کار می‌کند، توی خیابان، ماشین و آدم و گل و سنجناق و مگس و پروانه است.

رنگ غالب این صحنه خاکی و گلی است. حتی نخل‌های خم شده هم خاکی هستند. بسیجی، ارتشی، جهادگر روحانی و سپاهی، همه یک‌شکل بیل به دوش و چکمه به پا، در حال پاک‌سازی گل‌های خانه‌ها هستند. صددرصد خانه‌ها، مغازه‌ها و خیابان‌های شهر، در گل فرو رفته‌اند.

منتظریم

سینا دمپایی به پا دارد. بی‌توجهی‌ها در تلی از گل بالا و پایین می‌رود. کمی آن طرف، مادر و زن‌عمویش روی تلی از گل ایستاده‌اند و خانه و حیاط خانه‌شان را نگاه می‌کنند. گل تا دو متر، حیاط خانه را پوشانده است. چهار، پنج نفر از جهادگران، با بیل و فرغون در حال خالی کردن گل خانه آنها هستند. از خانه کوچکی که

جلسه فوق‌العاده برای کنکور

ابراهیم خدایی، رئیس سازمان سنجش آموزش کشور از برگزاری جلسه فوق‌العاده شورای سنجش و پذیرش دانشجو برای بررسی وضعیت برگزاری کنکورهای سراسری به دلیل وقوع سیل در برخی نقاط کشور خبر داد. وی افزود: باتوجه به وقوع سیل در برخی استان‌های کشور و همچنین در پیش بودن آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۹۸، بررسی وضعیت برگزاری آزمون‌های کشوری نیازمند جلسه شورای سنجش و پذیرش دانشجو است. / مهر



شهر است. او هم مانند نورعلی شاکر است و می‌گوید: «اما از محبت سیرابیم. همه ایران یکدل شده‌اند و به کمک ما آمده‌اند. لرستان هیچ‌وقت محبت مردم را فراموش نخواهد کرد.» دغدغه اعضای انجمن‌اش هستند. معلولینی که به خاطر وقوع سیل، به مشکل خورده‌اند. کسانی که حالا پای مصنوعی، ویلچر و وسایلشان را سیل شسته و برده است. بسیاری از اعضای علی محل اسکان مناسبی هم ندارند. جایی که بتوانند در آن زندگی کنند. او می‌گوید حتی بیمارستان امام خمینی (ره)، تنها بیمارستان شهر هم هوای بیمارانش را ندارد. بیمارستان از بیماران سیل‌زده و بهزیستی هم وجه دریافت می‌کند.

ایران مچکریم

در کنار نوشته و پلاکاردهای ارگان‌ها و گروه‌هایی که برای کمک از شهرهای مختلف آمده‌اند، مردم هم پلاکاردها زده‌اند. پیام آنها متفاوت است. بر روی سردر مغازه‌ها، روی شیشه عقب ماشین‌ها و حتی روی دیوارهای گلی مردم پیام تشکر گذاشته‌اند. «مردم شریف ایران مچکریم.» «ما مردم محروم سیل‌زده از فرماندهان ارتش تشکر می‌کنیم.» «لرستان دعاگوی مهریانی ایران است.» از پیام‌های آنهاست. در کنار گروخاک ملق در هوا، مهربانی موج می‌زند. کارواش‌های صلواتی قدم‌به‌قدم در بخش شرقی شهر وجود دارد. احسان علیجانی شلنگ آب پرفشاری به دست گرفته و ماشین‌ها را می‌شوید. زیرکاپوت ماشین‌ها، لای چرخ‌ها و حتی سقف بعضی از ماشین‌ها را هم گل گرفته است. احسان می‌گوید: «روزانه صد تا

وسایل خانه نورعلی، مبل، کمد، گلدان و حتی ظرف‌های درون کابینت هم گلی‌اند. نورعلی

با همه این‌ها اما شاکر است. او می‌گوید: «اگر نیروهای سپاه و ارتش نبودند، نمی‌دانم چه اتفاقی برای ما می‌افتاد.» خانه و زندگی نورعلی غرق در گل است. نگاه او اما می‌خندد. کمی آن طرف‌تر همه یکدفعه صلوات می‌فرستند. فرش خانه‌ای را بیرون کشیده‌اند و درون فرش سالم است و گلی دیده نمی‌شود. علی آوش، صاحب فرش و رئیس انجمن معلولان

مریم لیخند می‌زند، اشک اما در نگاهش می‌نشیند. او حالا با جاری‌ها و پدرشوهر معلولش در خانه خواهر شوهر زندگی می‌کند. در حیاط، فرمان دوجرخه سینا پیدا است. دوجرخه، در گل مانده، منتظر است تا کسی نجاتش دهد. کمی آن طرف تر خانه مصطفی است. تمام گل حیاط و اتاق‌ها تخلیه شده است. خانه اما مناسب زندگی نیست. آثار گل در خانه هنوز پیداست. بوی نم و گل با هم به مشام می‌رسد. چادرنماز و قرآن مادر مصطفی گلی شده است. مصطفی آینده روشنی برای خود و خانواده‌اش نمی‌بیند. او می‌گوید: «همه ما منتظر هستیم.» عروسی‌کی تنها در گل مانده است و با چشمان نیمه‌باز نگاه می‌کند. توی تاقچه همان خانه عروسک گلی سوپرمن دستانش به نشانه پیروزی بالااست.

از محبت سیرابیم

از مجموعه ورزشی شهید جواد سرمالیان تنها سردرش مانده است. سیل دیوارها را با خود برده است. زمین چمن مصنوعی، استخر شنا و سالن والیبال، همه و همه با هم یکی شده‌اند. اگر سکوهای زمین چمن نبودند، هیچ کسی نمی‌فهمید روزی در این نقطه ورزشگاهی هم بوده است. شرایط در این نقطه شهر، در محله کوی سازمانی که رودخانه هم در نزدیکی آن قرار دارد، بدتر است. محله‌ای که یک زمان ساختمان‌های مهاجران خرمشهری که از جنگ فرار کرده بودند، ساخته شده بود، حالا جنگ‌زده است. چند ساختمان کاملاً ریخته است. تراکم ماشین‌های سنگین و گروه‌ها در این بخش بیشتر است. بیرون یکی از خانه‌ها، نورعلی رضانی روی گل نشسته و به درون خانه‌اش نگاه می‌کند.



ماشین می‌شویم.» کمی آن طرف‌تر، فرش‌های تازه شسته شده هم در آفتاب پهن‌اند. احسان تعریف می‌کند که روزهای اول بعد از وقوع سیل، فرش‌های بیشتری شسته است. این روزها، او روزی ۳۰ فرش می‌شوید. مانند احسان زیادند. میترا نوروزی، از کرج با دوستش سوار ماشین شده‌اند و دو نفری با کاکل وسایل بهداشتی آمده‌اند برای کمک. مریم رضانی و پسرش ۱۸ ساعت از بابل رانده‌اند تا به کمک ارتش، برنج شمالی و شیر خشک به دست مردم لرستان برسانند. شیر خشکی که جزو نیازهای اولیه همه مادرهای نگران سیل‌زده است.

از امام رضاع)مناطق سیل‌زده

در همه جای شهر آشپزخانه برپاست. هادی دالوند هم از خرم‌آباد برای طبخ غذا آمده. ظاهرش شبیه آشپزها نیست. با هیکل ورزشی برای کمک به سیل زده‌ها تلاش می‌کند.

هادی و گروهش از چهاردهم فروردین، دو روز بعد از وقوع سیل خود را به پلدختر رساندند و غذا درست می‌کنند. هادی می‌گوید: «اما تا

دبیز، روزی ۳۰۰۰ پرس غذای گرم می‌پختیم.» حالا که تعداد آشپزخانه‌ها زیاد شده، آنها اقدام را بسته‌بندی و به دست مردم می‌رسانند. به جز هادی، آشپزخانه آستان قدس هم در پلدختر آشپزی می‌کند. آشپزخانه مجهز آستان شلوغ است. دیگ‌های مسی، توی آشپزخانه چیده شده و آشپزها و کمک آشپزها با صورت‌های غرق‌کرده درون آشپزخانه می‌دوند. آن طرف، دور میز مسی، جوان‌ها جمع شده‌اند. دیگ‌های عدس سریع خالی می‌شود، روی ظروف غذا، گوشت چرخ‌کرده و ته‌دیگ روغنی طلایی می‌نشیند و ظرف‌ها برای تحویل آماده می‌شوند. علی حقوقی سراسنیز این آشپزخانه است. او ده سالی است برای زائران امام رضا(ع) و در اربعین آشپزی می‌کند. حقوقی هم در زلزله هم و در زلزله کرمانشاه حضور داشته است. او تفاوت آشپزی برای زائران و زلزله و سیل‌زده‌ها را این‌طور عنوان می‌کند: «حس و حال آشپزی برای مردم زلزله‌زده و سیل‌زده متفاوت است. نه این که آشپزی برای زائران جذاب نیست، علی، آشپزی را برای مردمی که تمام خانه و زندگی‌شان را از دست داده‌اند، بیشتر دوست دارد. حس آشپزی برای مردم سیل‌زده برای او لذتبخش‌تر بوده است.

دوباره می‌سازیم

باوجود بیمارستان‌های دایر، وضعیت بهداشتی شهر چندان تعریفی ندارد. به جز خاکی که د ر هوا می‌رقصد، کمبود سرویس بهداشتی و حمام پیداد می‌کند. پلدختر از غذا و نیروی کمکی اشباع شده است، نیاز مردم اما وسایل و سرویس بهداشتی است. اغلب مردم سیل‌زده در خانه فامیل اسکان دارند. اما هستند کسانی هم که در چادرهای هلال‌احمر یا در اسکان فرهنگیان باشند. تعدادشان کم است، شاید به ۵۰۰ خانواده هم نرسند. در یکی از کمپ‌های هلال‌احمر که در جاده پلدختر به معمولان قرار دارد، حدود صد چادر کنار هم برپا شده است. مردم به صف شده‌اند تا سهمیه لباس زیرشان را بگیرند. مریم زن ۴۵ ساله‌ای است که در چادر زندگی می‌کند. او به ما می‌گوید: «اینجا نه سرویس بهداشتی است و نه حمام صحرایی.» استفاده از سرویس بهداشتی مغازه‌ها و خانه‌های سالم، تنها چاره آنهاست. مریم می‌گوید که در چادرش با یک لگن آب حمام می‌کند.

شرایط در کمپ‌ها از همه جا بدتر است. مائده متولد ۷۰ است و تعریف می‌کند که از روز سیل تا به حال روزی سه قرص آرامبخش می‌خورد. روی پیشانی مانده چین افتاده است. چشمان خوش‌رنگ درشتش، نگران است. انگشتانش را در دست می‌فشارد. دستانی که در تاریکی از خبسی برق می‌زند. خاله‌اش زن میانسالی است. تعریف می‌کند جنگ را در لرستان دیده و حالا سیل هم مانند جنگ تمام می‌شود و شهرش دوباره آباد خواهد شد. خاله شکرگزار است و با هر خنده، خالکوبی خورشید نشان روی چانه‌اش درخشان‌تر و بزرگ‌تر می‌شود.

خاله با دست‌های بزرگ زیرش می‌زند پشت مائده و می‌گوید: «این شهر دوباره ساخته می‌شود. ببین کی بهت گفتم؟» مائده از تصور این حرف لیخند می‌زند، چشمان مائده حالا زیباتر هم شده است.

آن طرف زیر نور کم‌رمق، کودکی با گل، کنار چادر، خانه‌گلی می‌سازد. ✂